

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند:

اثر هنرمندان بی نظیر دارای فلسفه است

ژان پل سارتر «شعر» را بروز فلسفی شاعر و جهان را بدون آن بی معنا می داند



پس چرا برخی از ما کاملاً دنیا را رها می‌کنیم و به دنبال کسب لاداید آن نیستیم و زندگی را فقط به آن طرف اختصاص داده‌ایم؟

وی با اشاره به اینکه دومین بحث در مورد فلسفه و ادبیات به «فلسفه در ادبیات» مربوط است که مصادیقش موارد ذکرشده بود، خاطرنشان کرد: بنابراین تفکر فلسفی در اشعار شامل افلاطونی، ارسطویی، اشرافی و غیره یا مکاتب اگزیستانسیالیسم، اومانیسم و غیره در قالب فلسفه در ادبیات جستجو می‌شود.

این استاد دانشگاه با بیان اینکه «(فلسفه در ادبیات) به دو بخش تقسیم می‌شود، تشریح کرد: بخش نخست طرح مسائل و اندیشه‌های فلسفی است و بخش دیگر مربوط به آموختن اندیشه است که ما با خواندن اشعار فلسفی یک شاعر، اصولاً پرسشگر، اندیشمند و منتقد بار می‌آییم.

سام خانیانی اذعان کرد: ادبیات صدای زندگی بشر است که بخشی از آن صدای ایدئولوژی هنرمند بوده؛ این فلسفه گاهی دینی و گاه در رابطه با سایر موضوعات است.

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بیرجند با اشاره به اینکه در جمع‌پندی
سخن‌نامه باید بگویم در کتاب‌هایی که بررسی
کرده‌ایم همان‌طور که گفته شد پیوند فلسفه و
ادبیات در سه حوزه کلی است، ابراز کرد: «فلسفه
ادبیات»، «فلسفه در ادبیات» و «ادبیات
قالب ادبیات»، سه حوزه این بحث است.

اندیشه و فلسفه زندگی خالق آن است. سام خانیانی با اشاره به اینکه بسیاری از برندگان نوبل و اسکار کسانی هستند که فلسفه دقیقی را در هنر خود عنوان می‌کنند، بیان کرد: برخی از کارگردانان بزرگ، نویسندگان سرآمد، شاعران فوق‌العاده و غیره در پی پرسش‌های اساسی و ناب و پاسخ به آن‌ها هستند که این مهم کارشان را شاخص می‌کند.

وی با بیان اینکه آنجا که حافظ می‌گوید
 (آشنایان دو تویی، تفسیر این دو حرف است/ با
 دشمنان مدارا، با دوستان مروّت) این خود نوعی
 از فلسفه زندگی است، عنوان کرد: همچنین وقتی
 سعدی می‌سراید «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که
 از آفرینش ز یک گوهرند» چو عضو به درد آورد
 روزگار / دگر عضو را نماند قرار» این نیز نوعی از
 فلسفه انسان‌محور است و همچنین غالب اشعار
 مولانا که در مورد آفرینش بوده، فلسفه هم دارد.
 این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه نگاه
 و تفکر انتقادی خیام نیز که در پیوند فلسفه و
 ادبیات به طوّر دائمی مهم است، افزود: فلسفه و
 پرسش‌هایی در مورد مرگ و زندگی مطرح می‌کند
 و بر افکار طاهری‌نیان و قشری‌نران نقد دارد؛
 همین‌انگیزه‌ها و افکار فلسفی خیام را معروف
 می‌کنند.

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بیرجند با خواندن شعری از خیام،
گفت: خیام می‌سراید «گویند بهشت و حورعین
خواهد بود/ آنجا می و شیر و انگبین خواهد
بود/ گر ما می و معشوق گزیدیم چه باک/ چون
عاقبت کار چنین خواهد بود» که در آثار او به‌ویژه
شعاری مانند مورد مذکور، یک نوع از فلسفه
«خوش باشی» را شاهد هستیم.

سام خانیانی با بیان اینکه البته با این اشعار نباید گمراه شد و حق و لب مطلب را گم کرد، اظهار کرد: خوش باشی با دین داری منافاتی ندارد؛ آقای قرائتی باری در بیان مطلبی عنوان کردند که در قرآن کریم ۷۲ مرتبه نام دنیا آمده است و نام آخرت تنها با یک مورد بیشتر، یعنی ۷۳ بار آمده،

است که درباره چیستی ادبیات بوده؛ حال چه ادبیات فارسی، چه عربی، چه انگلیسی و چه غیره. وی با بیان اینکه «ژان پل سارتر» بیانگذار مکتب اگزیستانسیالیسم (اصالت وجود) کتابی با عنوان «ادبیات چیست» دارد، ابراز کرد: جالب است که چرا یک فیلسوف می‌بایست در رابطه با ادبیات نظر دهد و کتاب بنویسد؛ به‌واقع ژان پل سارتر شعر را بروز فلسفی شاعر می‌داند و معتقد بوده که جهان بدون شعر بی‌معنا است.

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه نظریه ژان پل سارتر در مورد شعر یک ادعای عادی و بی‌اساس نیست چراکه او یک فیلسوف و دانش‌پژوه است، داغان کرد: درحقیقت در شعر مفهوم، زبان و فرم با یکدیگر ترکیب می‌شوند و شاعر محصولی را ایجاد می‌کند که بروز فلسفی او است؛ این مهم در تاریخ ادبیات و ادبیات‌پژوهی نیز صدق می‌کند.

همه حوزه‌ها از جمله اجتماع، سیاست و غیره می‌دانیم، اظهار کرد: فلسفه امروزی می‌گوید علت وجودی این پدیده اجتماعی، فرهنگی یا غیره چیست؛ تعریفی هم شهید مطهری در رابطه با «پدیده» می‌گوید (پدیده فلسفه نمی‌شود بلکه کاسه ماست خرید!) یعنی حتی یک خرید ساده هم هدف و غایتی دارد.

وی با بیان اینکه ادبیات یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های تجلی فلسفه است، افزود: بسیاری از ادیبان خودشان فیلسوف و حکیم بوده‌اند؛ مانند فردوسی، نظامی، خیام و غیره.

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند با اشاره به اینکه در گذشته غالب فیلسوفان با عنوان «اندیشمند بزرگ» شناخته می‌شدند، گفت: در زمان‌های قدیم مانند امروز رشته‌ها تفکیک شده و تخصصی نبود، بلکه هر فرد برای تحصیل می‌بایست به جمیع علوم مسلط می‌شد؛ برای مثال مطالعه علم کلام و حکمت برای هر تحصیل‌کرده‌ای ضروری بود. سام خانیانی با بیان اینکه با توجه به نکات مطرح‌شده باید گفت با وجود اینکه غالب شاعران فیلسوف خوانده می‌شدند اما اطلاعات و مفاهیم دقیق فلسفی در اشعار آنان وجود دارد.

برابر کرد؛ برای مثال در طرح مدینه فاصله سعدی در بوستانش با نوعی از فلسفه روبه‌رو هستیم. وی با اشاره به اینکه بعضی از کتاب‌های فلسفی نیز در قالب آثار ادبی، قصه رمزی یا عرفانی است، تشریح کرد: آواز پر جبرئیل، صغیر سیمرغ و عقل سرخ سهرودی از جمله مورد مذکور هستند.

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بیرجند با بیان اینکه در مواردی هم
فلسفه و ادبیات با یکدیگر ترکیب می‌شوند،
اذعان کرد: رساله «حی بن یقظان» بوعلی سینا
از مواردی است که در آن فلسفه و ادبیات حالت
ترکیبی و امتزاج دارند.

سام خانیانی با اشاره به اینکه با توجه به جمیع جهات سه بحث در فلسفه و ادبیات داریم، خاطرنشان کرد: نخستین بحث «فلسفه ادبیات»

سپهرغرب، گروه درهای دری - فاطمه قراقران، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند با اشاره به اینکه بسیاری از زندگان نوبل و اسکارسان هستند که فلسفه دقیقی را در هنر خود عنوان می‌کنند، بیان کرد: برخی از کارگردانان بزرگ، نویسندگان سرآمد، شاعران فوق‌العاده و غیره در پی پرسش‌های اساسی و ناب و پاسخ به آن‌ها هستند که این همی کارشان را شاخص می‌کند.

«دنیای آینده از آن مطالعات میان‌رشته‌ای است؛» این عقیده همیار علوی‌مقدم، عضو هیئت‌علمی دانشگاه همیار سبزواری بوده. براساس نظریات استاد عالی‌قدر زبان و ادبیات فارسی در رابطه با ادبیات تطبیقی، در آن شدم تا چندین شماره از صفحه دره‌ای دوی روزنامه سپهرغرب را به این موضوع اختصاص دهم؛ در نخستین شماره به سراغ موضوع پیوند ادبیات و روان‌شناسی رفتیم و در شماره دوم ارتباط بین ادبیات عرفانی و سینما را بررسی کردم. در این شماره هم به سراغ علی‌کام سام خانیانی، عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند رفتم تا با ما از ارتباط ادبیات و فلسفه بگوید:

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بیرجند در رابطه با مفهوم «فلسفه»
گفت: فلسفه به معنای عام یعنی دانش
پرسش‌های اساسی و یافتن پاسخ‌های اساسی
در هر موردی؛ چه درباره جهان هستی و چه
پیرامون مسائل دیگر.

علی‌اکبر سام‌خانیانی با بیان اینکه به فلسفه جهان هستی در زمان‌های قدیم بسیار پرداخته شده است، ابراز کرد: فلسفه به دنبال توضیح و تفسیر چگونگی خلقت یا نظام علم و معلولی است، اینکه هر معلولی یک علتی دارد و بر این اساس به تفسیر جهان هستی می‌پرداختند؛ برای مثال اگر مخلوقی هست، خالق‌ه ما داریم و غیره. سام‌خانیانی با اشاره به اینکه اما امروزه فلسفه را به معنای اندیشه عمیق و عقلانی در